



ماهنامه سراسری «میدان آزادی»

شماره: ۲۸
۳۱ خرداد ۱۴۰۴
قیمت: ۸۰۰۰ تومان

سکوت سرهنگ!

**کسای زاده: این نیروی انتظامی بود
که کارگاه تولید ریزپرنده های انفجاری
در شهری را کشف کرد؛ نه نهاد دیگر**

این تیتراژ نوشتیم تا در تاریخ ثبت شود. از بروز شایعه جلوگیری کنیم و اجازه ندهیم دلخوری در نیروهای انتظامی که در جنگ ۱۲ روزه شجاعانه در میدان بودند رخ دهد. بدانند که روزنامه نگارانی هم هستند که حقیقت را می دانند و برای انتشار آن می ایستند.



گزارش ویژه سیدهادی کسای زاده روزنامه نگار



ماهانامه سراسری میدان آزادی
(اجتماعی - سیاسی)

شماره: ۲۸
۳۱ خرداد ۱۴۰۴

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سیدهادی کسایی زاده

چاپخانه: آیین چاپ

خبرنگار، طراح و سردبیر:
سیدهادی کسایی زاده

آدرس:
تهران-خیابان آیت الله کاشانی-خیابان بهنام-
کوچه بهنام سه-ساختمان پارسه واحد ۴
تلفن: ۰۹۳۵۸۰۹۰۳۶۳



روستاهایی با ۷۰ درصد اتباع اسفبار است

ماهانامه میدان آزادی | سید هادی کسایی زاده | جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه مردم ایران و دولت جمهوری اسلامی ناگفته های بسیاری دارد و درس های زیادی به مردم و مسئولان نظام داد و به نوعی یک دانشگاه فشرده ۱۲ روزه بود. در میان حملات دشمن به تهران منطقه شهری هم از گزند حملات در امان نبود چرا که در این شهرستان استقرار موشک های روسی، پادگان های ارتش و سپاه، پالایشگاه تهران و مراکز استراتژیک بسیاری متمرکز است و حمله پهبادها به پالایشگاه و مقر سپاه نشان دهنده این اهمیت بود. اما آنچه که شهرستان ری را در جنگ ۱۲ روزه اسرائیل متفاوت می کند کلونی و تجمع افغانی ها در این شهرستان بود. بر اساس تحقیقات روزنامه نگاری که انجام دادم بخش زیادی از نیروی های مسلح سابق افغانستان در حسن آباد فشافویه متمرکز هستند و حتی مفتی ها و مولوی های افغان هم در جنوب تهران با تفکرات تکفیری تردد دارند. بعنوان روزنامه نگار تحقیقی یک سال قبل از حمله اسرائیل به ایران در مناظره مطبوعاتی در سایت دیدار نیوز رسماً اعلام کردم بیش از ۲ میلیون جاسوس افغانی در ایران داریم که بخش زیادی از آنها در تهران متمرکز هستند و تاکید کردم که افغان ها تهدیدند و همه مجرمند مگر آنکه عکس آن اثبات شود. در جنگ ۱۲ روزه اثبات شد که افغان ها آتش بیار معرکه جنگ بودند. تعداد زیادی از آنها شناسایی و دستگیر شدند و بخش زیادی به دلیل حرفه ای بودن و صرف هزینه های میلیاردی و داشتن امکانات و تجهیزات و همکاری با خائنان داخلی از دست نیروهای امنیتی ایران گریختند. حتی در میان دستگیر شدگان از نیروهای لشکر فاطمیون هم بودند که جای تامل و تاسف داشت.

در روزهای ابتدایی جنگ ۱۲ روزه یک بمب خبری، ایران و رسانه های جهان را تحت تاثیر خود قرارداد و آن کشف یک ساختمان سه طبقه در مرکز شهری و تولید ریزپرنده های انفجاری با همکاری افغانی ها بود. بخش خبری صدا و سیما این خبر را به نقل از سرهنگ حسین مافی مخابره کرد و تصاویر این کارگاه خرابکاری در فضای مجازی منتشر شد. هر چند کشف این خانه تیمی و تروریستی از طریق تماس مردمی با ۱۱۰ رخ داد اما اقدام و واکنش پلیس اطلاعات و فرماندهی انتظامی شهرستان ری در خور تحسین بود. پس از انتشار این خبر نهادهای مسئول حیرت زده ماندند. مگر می شود بیخ گوش این همه دستگاه و نهاد امنیتی چنین خانه تیمی فعالیت داشته باشد و ما ندانیم؟ برای همین در روزهای پایانی جنگ ۱۲ روزه برخی فعالان رسانه ای در شیطنتی تاسف بار شایعه ای را در میان خبرنگاران به راه انداختند که این خانه تیمی برای یک نهاد امنیتی بوده و خودمان در حال ساخت پهباد بودیم؟! آنقدر این شایعه پررنگ و محکم بود که خبرنگاران زیادی باور کردند که نیروی انتظامی شهرستان ری گاف بزرگی داده و به کاهلان زده است. اما حقیقت چیز دیگری بود و واقعا این خانه برای تروریست ها بوده است. من بعنوان روزنامه نگار به دلیل شرایط روز کشور سکوت اختیار کرده و بر این موضوع دامن نزدم تا جو کشور آرام شود. منتظر فرصتی بودم تا رسماً این موضوع را بیان کند. هفته نیروی انتظامی فرصت خوبی بود تا در جمع خبرنگاران این پرسش را از سرهنگ حسین مافی سوال کنم اما حضور پیدا نکردم باز هم سکوت کردم. تا اینکه درخواستی برای مصاحبه با سرهنگ مافی به صورت تلفنی ارائه کردم و قرار شد حضوراً خدمت ایشان برسم. اما به دلیل بازدید از نمایشگاه ایپاس سرهنگ قرار شد به مصلی تهران برود. من همان لحظه وارد حیاط مرکز فرماندهی انتظامی ری شدم و پیشنهاد دادم با جناب مافی راهی نمایشگاه شویم و او در طول مسیر به سوالات من پاسخ دهد. سوالات زیادی مطرح شد و

سرهنگ مافی پاسخ داد. در مورد تجاوز به دختر ۷ ساله در شهری سوال کردم که ایشان گفتند برای جلوگیری از خدشه دار شدن عفت عمومی بهتر است این اخبار بازتاب نداشته باشد و از بیان جزئیات معذورم اما این فرد در تعقیب و گریز با ضرب گلوله مجروح و دستگیر شد. سرهنگ مافی از افزایش ۷۰ درصدی کشف مواد مخدر در شهرستان ری خبر داد و از اجرای موفق مقابله با هرگونه خشونت در شهرستان ابراز رضایت کرد. اما این اخبار آن چیزی نبود که من به دنبال آن بودم. خودرو حامل سرهنگ مافی و من وارد خط ویژه بزرگراه امام علی (ع) شده بود تا زودتر به مصلی تهران برسد و پس از یک سکوت تلاش کردم موضوع مصاحبه را به جنگ ۱۲ روزه سوق دهم. فرمانده انتظامی شهرستان ری می گفت: ۱۲ روز جنگ بود اما ۱۴ روز آماده باش و فعال بودیم. دختر خردسالم دائم تماس می گرفت تا اینکه یک شب به هر نحوی بود چند دقیقه ای او را دیدم و بوسیدم. الباقی نیروها هم همینطور بودند. شرایط جنگی بود. در همین ایام ۵۰۲ خبر امنیتی منتشر کردیم که این نشان از عملیات های گسترده و گشت های بسیار کلاتری ها و نیروهای اطلاعاتی انتظامی شهرستان ری بود. اما با تمام سختی ها برخی صحنه ها از یاد فراموش نمی شود. پس از بمباران ساختمان سپاه در محله دیلمان شهری نیروهای مردمی و بسیج همه قبل از رسیدن واحدهای امدادی دست به دست هم آرامش منطقه و امداد را آغاز کرده بودند و این بسیار زیبا و ایثارگرانه بود. از سرهنگ مافی سوال کردم: شما قطعا در گشت هایی که داشتید به روستاهای زیادی در حاشیه شهرستان ری سرزدید. چه چیزی برای شما تاسف بار بود؟ گفت: اینکه برخی روستاها تا ۷۰ درصد ساکنان اتباع داشتند و خالی از سکنه ایرانی شده بود. سوال کردم: در جنگ ۱۲ روزه گل کاشتید و توانستید در یک کوچه بن بست در اطراف خیابان ۲۴ متری شهری با گزارش مردمی کارگاه ساخت ریزپرنده های انفجاری را کشف کنید. که ۲۰۰ کیلوگرم مواد منفجره هم در این کارگاه آماده سوار کردن روی ریزپرنده ها بود. خواستم توضیحات بیشتری بدهید. و اینکه چرا شایعه شد این کارگاه خودی بوده و پلیس اشتباه کرده است؟ سرهنگ مافی گفت: خبر همانی بود که رسانه ها منتشر کردند. من مطلب بیشتری نمی توانم بازگو کنم. و دیگر سکوت کرد و سکوت کرد و سکوت کرد. این سکوت هزاران معنا داشت. من بعنوان روزنامه نگار تحقیقی اصل ماجرا را پی برده بودم. با این حال می خواستم سرهنگ هم مطالبی را بیان کند. سرهنگ حسین مافی یکی از چهره های شناخته شده در رده مدیریتی و فرماندهی در نیروی انتظامی تهران بزرگ به شمار می رود که پیش از این مسئولیت فرماندهی کلاتری بازار تهران و حتی سرکلاتر بیت رهبری، فشم، مرزداران، نیاوران، قائم، یوسف آباد، شهرک غرب را هم برعهده داشته است. کادر وظیفه و سربازان تحت امر او می گویند: درب اتاقش همیشه باز است و ارتباط او با مردم و نیروها خوب است و همین موجب شده بعنوان یک فرمانده محبوب شناخته شود. وقتی روبروی او در اتاق فرماندهی انتظامی شهرستان ری روی مبل نشستیم گفتیم: فرمانده قبلی من را دعوت کرد و به جای پذیرایی و گفتگو به نوعی تلویحا من را تهدید کرد تا خبرنگاری حرفه ای نکنم و کاری به کار کسی نداشته باشم. اینکه شما از من پذیرایی کردید و حتی سخنانم را شنیدید ممنونم. هر چند این گفتگو دارای موارد غیر قابل انتشار بود اما با این گزارش خواستم نکاتی را به ابتدا به خبرنگاران محلی ری و سپس به مردم یادآور کنم که داستان از چه قرار است. رسالت روزنامه نگاری آن است که به دنبال حقیقت باشد اما در کشور ما گویی خبرنگاری جرم است و هر مسئولی تن به مصاحبه نمی دهد مگر آنکه مجبیز و تملق او گفته شود.

سرهنگ مافی در پاسخ به سوال من گفت: خبر همانی بود که رسانه ها منتشر کردند. من مطلب بیشتری نمی توانم بازگو کنم. محرمانه است و دیگر سکوت کرد.... و سکوت کرد.... و سکوت کرد.